

## مهم‌تر از عمل

گفت‌وگویی معلمان  
با دکتر خسرو باقری  
استاد فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل  
معلم علوم متوسطه اول، تهران  
عکس: غلامرضا بهرامی

صدای خوردن زنگ تفریح می‌آید. گچ را از سرآستین مانتوام پاک کرده و با مبینا، دو نفری، لوازم آزمایشگاه را جمع می‌کنیم. مبینا از داوطلبین همیشگی برای جمع‌آوری لوازم است. دیروز معاون مدرسه می‌گفت: «مبینا خنگ است، خنگ! هر انسانی ظرفیتی دارد، ظرفیتی او کم است، کاری نمی‌شود کرد.» با خود فکر می‌کنم چطور این خانم دلش می‌آید به یک انسان بگوید خنگ، فوقش در درس علوم ضعیف است. چه می‌شود که ما این قدر زود از انسانی ناامید می‌شویم!

وارد دفتر دبیران می‌شوم. همکارانم مشغول خوردن صبحانه هستند. یکی از آن‌ها که با تجربه هم هست در مورد یکی از شاگردانم می‌گوید: من این قماش را می‌شناسم. شرور هستند. الان که ابتدای سال است اگر با او برخورد مناسب نشود تا آخر سال بیچاره‌ایم. سرم را پایین می‌اندازم و چایی‌ام را می‌خورم. از خود می‌پرسم: آیا دفتر دبیران به قتلگاهی برای دانش‌آموزان تبدیل شده است؟ چطور برای انسانی که فقط چهارده سال در این دنیا زندگی کرده است از کلمه «شرور» استفاده می‌کنیم. به یاد گفت‌وگوهای تابستان با دکتر باقری می‌افتم، باید بتوانم «عمل» دانش‌آموزم را از «عملیت» او جدا کنم. پر از سؤال می‌شوم. با دانش‌آموز ضعیفی که همه از او ناامید هستند چه کنم؟ با دانش‌آموزی که رفتارهای شیطنت‌آمیز دارد چطور؟  
قسمت دوم گفت‌وگویی معلم و فیلسوف را، با موضوع تشویق و تنبیه، می‌خوانیم.

و استغنی و کذب بالحنسی فسئیسره  
للعسری» (لیل/۸ تا ۱۰)، او نیکی را قبول ندارد، او را برای سختی مهیا می‌کنیم. اصلاً خودش گرفتار می‌شود. این منطق عملی، کارآموز است. عمل یا ما را به بن‌بست می‌کشاند یا به گشایش. اگر درست عمل نکنیم چه فردی و چه اجتماعی بیشتر و بیشتر درگیر می‌شویم، این واقعیت است. ← معلم: منطق عمل برای افرادی است

مخاطب مؤمن یا مشرک است.  
منطق عمل این است که اگر راهی را بروی نتیجه می‌گیری و در غیر این صورت به نتیجه نمی‌رسی. «فأما من أعطی واتقی و صدق بالحنسی فسئیسره للیسری» (لیل/۵ تا ۷)، ما او را آسان می‌کنیم «فسئیسره» با «فسئیسرله» فرق دارد، می‌گوید خود انسان را برای آسایش و آرامش مهیا می‌کنیم. «و اما من بخل

← معلم: ما اکنون در مورد معلمان علاقه‌مند صحبت می‌کنیم ولی گاهی با معلمان بدون انگیزه و بی‌علاقه روبه‌رو هستیم. اندیشه شما که براساس معرفت دینی است با موانع زیادی در ایران روبه‌روست، شاید در اروپا بهتر جواب می‌دهد، همان قصه‌ای که حقیقتاً کسی امروز بخواهد ارزش‌هایش را براساس قرآن در آورد و عمل کند واقعاً خیلی سخت است مگر اینکه انسان، ایمان به حقیقت موضوع بیاورد و از لذت درونی که می‌برد دائماً خود را قوی کند و ادامه دهد؛ و این به لحاظ فردی ممکن است. اراده جمع به چیز دیگری است. معلم دلسوز مرتب تحت فشار خانواده و جامعه است. ما باید خود اول مؤمن شویم به این راه.

دکتر باقری: حرف‌های اسلام قرار بوده است که درست باشد نه اینکه ما فقط به‌عنوان مسلمان آن را بپذیریم. در ابتدا مخاطب قرآن مسلمین نبوده‌اند بلکه همیشه انسان‌ها بوده‌اند، یعنی قدرت قرآن بر اساس اعتقاد نیست بلکه براساس منطق عمل است نه اینکه براساس اینکه



که عاقلانه فکر می‌کنند، اما دانش‌آموزان تحت تأثیر کسانی هستند که اصولاً با عقل سروکاری ندارند.

**دکتر باقری:** همه انسان‌ها عاقلند، ما نمی‌گوییم انسان بد وجود ندارد، بلکه می‌گوییم منطق عمل کار خودش را می‌کند ما اگر بتوانیم منطق عمل را به افراد نشان دهیم این‌ها زودتر به نتیجه می‌رسند و ترمز می‌گیرند.

**معلم:** قرآن می‌گوید اگر تفکر کنید؛ و می‌گوید اکثرهم لایعقلون ....

**دکتر باقری:** اگر قرآن می‌گوید اکثرهم لایعقلون، این یک قاعده کلی نیست. انسان‌ها عاقلند اما گاهی منفعت کوتاه مدت و گاهی درازمدت را می‌بینند. این دستگاه عقل کار می‌کند منتها فردی که غلط عمل می‌کند با نزدیک‌بینی منافع خود را می‌بیند، کسانی که کار نادرست می‌کنند مدتی جلو می‌روند اما بالاخره گیر می‌افتند. ما باید به همه نشان دهیم و افراد را وادار کنیم به تفکر بلندمدت روی آورند. «کسی را که پدر و مادرش ادب نکنند روزگار او را ادب می‌کند». ممکن است حزب یا دولتی اشتباه عمل کند در اینجا منطق عمل وارد شده و نتیجه‌ها می‌آید و گرفتاری‌ها شروع می‌شود. منتها فرد نادان تا آخرین لحظه صبر می‌کند. در تعلیم و تربیت باید این‌ها را در معرض دید افراد قرار داد و مقایسه‌ای بین دو گروهی که درست و غلط را عمل می‌کنند انجام داد. دانش‌آموز و معلم را در معرض فوران تفکر و اندیشه و بازنگری قرار دهیم. با وجود مشکل دو راه هست یکی اینکه اصلاً کاری نکنیم یکی دیگر اینکه ببینیم

چه کارهایی می‌توان انجام داد. کار معلمی سخت اما ارزشمند و زیباست.

یکی از تفاوت‌های معلم با دانش‌آموز در تعامل ناهم‌تراز این است که معلم افق را می‌بیند و دانش‌آموز در مراتب پایین‌تر قرار دارد. الان ما در فضایی هستیم که ذائقه‌ها خراب شده است اما نباید به این بهانه صحنه را ترک کنیم. هر کس در حوزه کار خود باید تشویق و تنبیه را به خود عمل منعطف کند تا به تدریج تشویق و تنبیه کارآمد شود.

**معلم:** آیا به رخ کشیدن عمل بد انسان‌ها از هر مجازاتی بزرگ‌تر نیست؟

**دکتر باقری:** ما در مقام تنبیه باید حساب عامل را از عمل جدا کنیم، عامل از مجموعه اعمالش بزرگ‌تر است تا زمانی که او زنده است. یکی از خطاهای ما این است که عامل را تنبیه می‌کنیم نه عمل را. نباید شخصیت فرد را زیر سؤال ببریم. ما باید مثل جراحی باشیم که غده‌ای را از مغز خارج می‌کند، باید دقت کنیم که به بافت سالم مغز ضربه نزنیم. بافت سالم، همان عامل یعنی خود فرد است، فقط باید به عمل بد حمله کرد. علت رنج بچه این است که به او می‌گوییم تو کودن هستی، بلکه باید با چند قید با او صحبت کنیم، مثلاً بگوییم تو این ترم در نمره ریاضی نمره کم گرفته‌ای.

**معلم:** گاهی دانش‌آموز مقایسه‌ای که بین خود و دیگری می‌کند، کودن بودن را به خود نسبت می‌دهد...

**دکتر باقری:** گاهی معلمین میان عامل و عمل تفکیک نمی‌کنند و به عامل، یعنی شخصیت فرد، حمله می‌کنند. ما باید، حتی اگر لازم شد، عامل را عزیز بداریم و عمل را مورد حمله قرار دهیم. مثل اینکه تو بسیار عزیز و محترمی. ما باید نشان دهیم که دانش‌آموز عزیز و محترم است، برای انتقاد کردن ابتدا باید یک حسن و بعد یک ضعف و در آخر یک خوبی و حسن دیگر دانش‌آموز را به او بگویید. باید به دانش‌آموز گفت تو خوبی و این در بدترین شرایط هم صدق می‌کند؛ زیرا انسان ذاتاً شریف است. باید به او بگوییم که تو دارای توانایی‌های زیادی هستی اما فعلاً در این بخش از درس مشکل داری. این حرف معنایش این است که تو می‌توانی در این درس هم موفق شوی

و مشکل خود را حل کنی. اگر ما بتوانیم نسبت به گفت‌وگو جدایی عامل از عمل متعهد باشیم و در مرحله بعدی، عامل را توانمند معرفی کنیم در نتیجه این دو کار، از وحشت دانش‌آموزان کم می‌شود. متأسفانه ما مرزهای عاملیت و عمل را می‌شکنیم و به جای عمل‌محور بودن عامل‌محور می‌شویم و این یک اشکال در فرهنگ ماست.

**معلم:** در مورد تشویق هم باید این‌گونه عمل کرد؟ یعنی عمل را مورد تشویق قرار دهیم؟

**دکتر باقری:** فضای تعلیم و تربیت، فضای حرمت انسان است، فرشی را پهن کرده و روی آن دو کالا گذاشته‌ایم. یعنی بستر تشویق و تنبیه یکی است. وقتی فردی کار خوبی را انجام می‌دهد اینجا مسئله مضاعف است، می‌گوییم اولاً تو شخصیت خوبی داری و بعد اینکه این عمل خوب را نیز انجام داده‌ای، یعنی اینکه در تشویق و تنبیه، تکریم و کرامت آدمی باید محفوظ بماند.

**معلم:** آیا در تشویق مصداق «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» باشیم؟

**دکتر باقری:** در مورد تشویق باید مثل «لَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا» باشیم و در مورد تنبیه باید مثل «و لا یجزی الا مثلها» باشیم. اگر عمر آدمی نسبت به بعضی جانداران طولانی‌تر است به این دلیل است که لازم است او در این زمان نسبتاً طولانی به یک جمع‌بندی برسد. اگر دانش‌آموزی خطا کرد باید به او فرصت جبران بدهیم. ما در اصول تربیتی خود باید «اصل تغافل» را به کار ببریم تا او بتواند به جمع‌بندی برسد. اصولاً آدمی با افت و خیز، راهش را طی می‌کند، ما نباید اولین خطاهای دانش‌آموز را به روی او بیاوریم. مشرکین به پیامبر (ص) می‌گفتند اذن - گوش - ، یعنی به همه رخصت جبران و ... می‌دهد. ما باید ساده لوح زیرک باشیم. معلم نباید در اولین خطا مسج دانش‌آموز را بگیرد، بعضی زیرکی‌ها نوعی عقب‌ماندگی است، البته از یک جایی به بعد که متوجه شدیم از این سادگی ما سوءاستفاده می‌شود جریان فرق می‌کند. دیگر اینجا باید «المؤمن کئیس» بود. مؤمن کسی است که از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود. این روایت مال اینجاست نه اولین خطا.

